

واکاوی مبانی رجالی شیخ انصاری

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۲۱

علی نصرتی^۱
سید ابوالقاسم حسینی زیدی^۲
محمدحسن قاسمی^۳

چکیده

با تحقیق در آثار فقهی و اصولی شیخ انصاری می‌توان مبانی رجالی ایشان را به دست آورد؛ زیرا شیخ در آثار خود، هنگام نقد و ارزیابی روایات، گاهی به برخی قواعد رجالی نظر داشته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی، تحلیلی به مبانی رجالی شیخ انصاری پرداخته و به این نتیجه رسیده است که: شیخ انصاری در مقام عمل نشان داده که یک فقیه و حدیث‌پژوه به علم رجال نیاز دارد. ایشان وثاقت اصحاب اجماع را قبول داشته و مبنای مشایخ ثقات را پذیرفته و باور به توثیق مشایخ احمد بن محمد بن عیسی اشعری داشته است. شیخ انصاری کثرت نقل بزرگان از راوی و ترجم و ترجمه را دلیل بر توثیق راوی دانسته و بر این باور است که اگر راوی از مشایخ صدوق باشد، ثقه است.

کلیدواژه‌ها: رجال، مبانی رجالی، شیخ انصاری، توثیق.

مقدمه

تأمل در احوال راویان سند به لحاظ عدالت، وثاقت، ضبط و... و نیز بررسی کیفیت سند به خاطر اتصال یا عدم اتصال آن به معصوم، یکی از راه‌های ارزیابی حدیث است که دو علم مهم «رجال» و «مصطلح الحدیث» عهده‌دار آن است.

۱. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول) (nosratiali55@gmail.com).

۲. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی (abolghasem.6558@yahoo.com).

۳. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی (ghasemi@razavi.ac.ir).

عالمان از دیرباز از این شیوه برای ارزیابی احادیث استفاده می‌کرده‌اند. متقدمین خود را بی‌نیاز از علم رجال و «نقد سندی» نمی‌دانسته‌اند، بلکه با بهره‌گیری از علم رجال، سلسله سند را بررسی می‌کرده‌اند و درستی آن را یکی از قوی‌ترین اسباب اعتبار و صحت حدیث می‌دانسته‌اند. متقدمین براین باور بودند که اگر حدیث، از طریق راویان دارای وثوق و اطمینان نقل شود، یا قرآینی در آن وجود داشته باشد که اطمینان بیاورد، در این صورت می‌توان به آن عمل کرد و به چنین حدیثی صحیح می‌گفتند.^۱

شیخ طوسی در عدة الأصول می‌گوید:

همانا خبر واحد، هنگامی که از طریق اصحاب امامی نقل گردد و از پیامبر یا یکی از ائمه روایت شده باشد و راوی در روایتش متهم نباشد و در نقلش استوار باشد ... عمل کردن به آن جایز است.^۲

شیخ حرعاملی نیز در «وسائل الشیعه» وثاقت راویان سند را به عنوان اولین قرینه بر اعتبار حدیث دانسته است.^۳

البته همه عالمان، در برابر «نقد سندی» موضع یکسانی ندارند. باورمندان به مکتب وثوق سندی، «نقد سندی» را تنها راه دسترسی به اعتبار روایت و پیروان مکتب وثوق صدور آن را یکی از راه‌ها می‌دانند.^۴

دانش رجال، بدین منظور تدوین شده تا حالات و اوصاف راویان حدیث را از آن جهت که در پذیرش و رد خبر آنان مؤثر است، بررسی کند. در دانش رجال یک سری قواعد و اصولی هست که عالمان و محدثان نسبت به آن‌ها اختلاف نظر دارند. به همین خاطر، هر حدیث پژوهی پیش از ورود به ارزیابی اسناد روایات (نقد سندی) باید موضع خود را نسبت به آن‌ها مشخص کند. شیخ انصاری در تراث فقهی و اصولی خود بر طبق مبانی خود روایاتی را به لحاظ سند ارزیابی نموده است که در اینجا دیدگاه‌های وی را نسبت به این اصول و قواعد رجالی بیان می‌کنیم.

این نکته هم شایسته تذکار است که درباره مباحث سندی از منظر شیخ انصاری دو

۱. رک: دانش درایة الحدیث، ص ۷۴ - ۷۵.

۲. العدة فی أصول الفقه، ج ۱، ص ۱۲۷.

۳. وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۲۴۳.

۴. رک: معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۲۲ - ۲۵.

مقاله به نگارش در آمده است: «واکاوی شیوه‌های شیخ انصاری در نقد سند حدیث» و «انجبار ضعف سند و گونه‌های آن از منظر شیخ انصاری» که تنها در مقاله اول به صورت محدود به چند مبنای رجالی شیخ انصاری اشاره شده است. همچنین جناب آقای محمد حسن عبدالصالحی هم پایان‌نامه‌ای با عنوان «تصحیح و تحقیق کتاب الرجال مرحوم شیخ انصاری» نگاشته است که بیشتر جنبه نسخه‌شناسی دارد.

۱. مبانی رجالی شیخ انصاری

شیخ اعظم در علم رجال تألیف مستقلی دارد که در آن تنها اسامی راویان ثقه و ممدوحی را که به روایاتشان عمل می‌کرده، آورده است.^۱ وی در توثیق آن راویان تنها به کتاب‌های پنج‌گانه رجال النجاشی، الفهرست، رجال الطوسی، رجال الکشی و الخلاصه اعتماد کرده و چیزی افزون بر آن‌ها نیاورده است؛ ولی با تحقیق میدانی در آثار فقهی و اصولی وی می‌توان این مبانی را به دست آورد؛ زیرا شیخ در این آثار خود، هنگام نقد و ارزیابی روایات، گاهی به برخی قواعد رجالی نظر داشته است. در اینجا برخی از مبانی رجالی شیخ را مطرح می‌کنیم.

۲. نیازمندی به علم رجال

یکی از اساسی‌ترین پرسش‌هایی که در باره دانش رجال مطرح است، این است که آیا نیازی به علم رجال هست؟ بسیاری از عالمان - که بیشتر اصولیان هستند - بر این باورند که علم رجال ضرورت دارد و یکی از پیش‌نیازهای اجتهاد است.^۲ در مقابل برخی عالمان - که غالباً اخباریان هستند - بر این عقیده‌اند که نیازی به علم رجال نیست.^۳ موافقان و مخالفان علم رجال، هر یک ادله‌ای آورده‌اند^۴ که آوردن آن‌ها در حوصله این گفتار نیست.

شیخ انصاری در جایی از آثار خود، این بحث را مطرح نکرده و به این پرسش پاسخ نداده، ولی در مقام عمل نشان داده که یک فقیه و حدیث‌پژوه به علم رجال نیاز دارد. همان‌طور که گذشت، وی کتابی مستقل در علم رجال نگاشته است و اسامی راویان ثقه و

۱. این کتاب، چاپ نشده است، ولی نسخه خطی آن به خط شاگرد شیخ انصاری، مولی محمدحسین بن محمد قاسم قمشه‌ای در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی با شماره عمومی ۳۶۱۷ نگهداری می‌شود.

۲. الإجتهد و التقليد، ص ۳۸؛ دراسات فی علم الأصول، ج ۴، ص ۴۲۶؛ الاجتهاد و التقليد، ص ۱۲؛ الرسائل، ج ۲، ص ۹۸.

۳. الفوائد المدنیة، ص ۳۷۱؛ الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۱، ص ۱۵ - ۲۲؛ رسالة القواعد، ص ۱۴۴.

۴. کلیات فی علم الرجال، ص ۲۱ - ۵۱؛ آشنایی با اصول علم رجال، ص ۴۶ - ۵۷.

ممدوحی را که به روایاتشان عمل می‌کرده، آورده است. وی در لابه لای کتاب‌های فقهی و اصولی خود بارها با یاری گرفتن از علم رجال، احادیثی را به لحاظ سند ارزیابی کرده است؛ مثلاً دربارهٔ روایتی می‌گوید:

و لیس فی سند هذه الروایة من یتوقف فی شأنه، سوی الضحاک بن زید، و الظاهر أنه أبو مالک الحضرمی أذی حکى فیہ عن النجاشی أنه ثقة ثقة.^۱

این‌ها به روشنی نشان می‌دهد که شیخ انصاری، همچون اکثر اصولیان، دانش رجال را به عنوان ضرورت و نیاز تلقی می‌کرده است.

ناگفته پیداست که طرفداران مکتب «وثوق سندی» نسبت به پیروان مکتب «وثوق صدوری» نیاز بیشتری به علم رجال دارند؛^۲ زیرا طبق مکتب «وثوق سندی» تنها از راه وثاقت راویان می‌توان به اعتبار روایت پی‌برد؛ در حالی که طبق مکتب «وثوق صدوری»، وثاقت راوی یکی از راه‌های اطمینان به صدور روایت است و از قراینی دیگری هم می‌توان اعتبارسنجی کرد. همان‌گونه که گذشت، شیخ اعظم در باب حجیت خبر واحد، به مکتب «وثوق صدوری» باور دارد و لذا نیازمندی وی به علم رجال نسبت به پیروان مکتب «وثوق سندی» کمتر است.

۳. احراز وثاقت راویان به شیوه تجمیع قراین

رجالیان برای احراز وثاقت راوی مشخص، شیوه‌هایی ذکر کرده‌اند^۳ که یکی از آن‌ها «تجمیع قراین» است. گاهی برخی شواهد و قراین به تنهایی وثاقت راوی را ثابت نمی‌کند، اما با کنار هم نهادن تعدادی از آن‌ها به وثاقت راوی اطمینان حاصل می‌شود. این روش از آن جهت که موجب اطمینان شخصی محقق می‌گردد، از استواری بیشتری برخوردار است. شیخ انصاری در تراث فقهی استدلالی خود، در ضمن ارزیابی اسناد روایات، برخی راویان را با جمع‌آوری شواهد و قراین توثیق نموده است.

وی درباره «محمد بن سنان» می‌گوید:

۱. کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۴۶.

۲. رک: دراسات فی علم الأصول، ج ۴، ص ۴۲۶.

۳. در دانش رجال شیوه‌هایی برای توثیقات خاص آمده است که از این قرارند: ۱. علم وجدانی، ۲. تصریح معصوم، ۳.

تصریح یکی از رجالیان متقدم، ۴. تصریح یکی از رجالیان متأخر، ۵. ادعای اجماع رجالیان، ۶. شهرت به وثاقت، ۷.

جمع‌آوری قراین، ۸. مقایسه میدانی احادیث راوی با راویان موثق (رک: آشنایی با اصول علم رجال، ص ۶۹ - ۷۴).

همه راویان این حدیث ثقه‌اند، به جز «محمد بن سنان» که برخی از متأخرین
قرینه‌هایی برای اعتماد کردن به روایتش آورده‌اند؛ مانند روایت اجلا از وی، به ویژه
صفوان که روایت نمی‌کند، مگر از ثقه.^۱

۴. توثیقات متأخران

یکی از پرسش‌های مطرح درباره توثیق و تضعیف راویان این است که آیا تنها توثیق
رجالین متقدم، مانند نجاشی، کشی و شیخ طوسی معتبر است یا توثیق رجالین متأخران
قبیل سید بن طاوس، علامه حلی، ابن داود و علامه مجلسی نیز حجت است؟
آیه الله خویی توثیقات متأخران را در صورتی معتبر می‌داند که مبتنی بر حدس و اجتهاد
نباشد. وی در این باره می‌گوید:

از راه‌هایی که با آن وثاقت و حُسن ثابت می‌شود، این است که یکی از بزرگان متأخر
بدان تصریح کند؛ البته به شرط این که گزارش‌گر وثاقت با توثیق شده معاصر یا
قریب‌العصر باشد؛ همان طور که این در توثیقات منتجب‌الدین یا ابن شهر آشوب
صورت گرفته است؛ اما در غیر آن، مانند توثیقات سید بن طاوس و علامه و متأخران
از آن دو، مانند مجلسی نسبت به افرادی که معاصر آنان نبوده‌اند، ارزشی ندارد؛ زیرا
قطعاً این توثیقات مبتنی بر حدس و اجتهاد است.^۲

شیخ انصاری در آثار خود به توثیقات برخی از متأخران، از جمله علامه حلی، ابن داود و
مجلسی اول تکیه کرده است.

وی در کتاب الرجال خود، در توثیق بسیاری از راویان به اقوال علامه استناد کرده است؛
برای نمونه، درباره «ابراهیم بن رجاء الجحدری» می‌گوید:

ثقة من اصحابنا البصريين ست صه.^۳

که «صه» رمز خلاصه‌الاقوال فی معرفة الرجال علامه حلی است.

وی درباره «محمد بن موسی متوکل» می‌گوید:

اگر چه توثیق او از نجاشی و شیخ طوسی گزارش نشده، ولی علامه و ابن داود او را

۱. کتاب الطهارة، ج ۱، ص ۸۳.

۲. معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۴۲.

۳. کتاب الرجال، ورق ۲.

توثیق کرده‌اند.^۱

ایشان درباره روایت زراره^۲ - که ابراهیم بن هاشم در سند آن قرار گرفته است - می‌گوید:
 اما صحیح نبودن روایت زراره مسلم نیست؛ زیرا ابراهیم بن هاشم ظاهراً عادل است؛
 همان گونه که گروهی همین را برگزیده‌اند؛ حتی طبق حکایت محقق بهبهانی بعضی^۳
 گفته‌اند که شرم داریم حدیث ابراهیم را صحیح نشماریم.^۴

۵. توثیقات عامه

شیوه‌های توثیق راویان به دو گونه توثیق خاص و توثیق عام صورت می‌پذیرد. اثبات
 وثاقت راوی به دلالت تضمینی را توثیق عام گویند؛ بدین صورت که در توثیق عام قاعده‌ای
 کلی و عام وضع می‌گردد و با توجه به آن قاعده، راویانی که مصداق آن به حساب می‌آیند،
 توثیق می‌شوند.

در ادامه برخی توثیقات عامه را، با تکیه بر دیدگاه شیخ انصاری، بررسی می‌کنیم.

۵ - ۱. اصحاب اجماع

اصحاب اجماع به گروهی ویژه از روایت‌گران حدیث گفته می‌شود که از بزرگان پرورش
 یافته مکتب امام باقر، امام صادق، امام کاظم و امام رضا علیهم‌السلام به شمار می‌روند و بنا بر قول
 مشهور، شمار آنان هیچ‌ده نفر است.^۵ اساس پیدایش این اصطلاح به سخنان کشی
 برمی‌گردد که در سه جای کتاب رجالی وی آمده است.^۶

شیخ انصاری در کتاب فرآند الاصول، در بحث حجیت خبر واحد، ادعای کشی را یکی
 از نشانه‌های درستی اجماع شیخ طوسی مبنی بر حجیت خبر واحد دانسته و در این باره
 چنین آورده است:

برخی از این قرینه‌ها و نشانه‌ها همان است که کشی در رجال ادعا کرده: «اجمعت

۱. رساله فی الموارث، ص ۱۹۰.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۵۴، ح ۲.

۳. القائل هو والد الشیخ البهائی الحسین بن عبدالصمد الحارثی اعلی الله مقامهما (مقباس الهدایة، ج ۱، ص ۴۰،
 رقم ۲۲۶).

۴. احکام الخلل فی الصلاة، ص ۶۲.

۵. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۱، ص ۵۱۰.

۶. رک: رجال الکشی، ص ۲۳۸، رقم ۴۳۱ و ص ۳۷۵، رقم ۷۰۵ و ص ۵۵۶، رقم ۱۰۵۰.

العصابة علی تصحیح ما یصح عن جماعة». منظور از تصحیح اصحاب، یعنی خبر این گروه را درست دانسته و به آن عمل می‌کرده‌اند؛ نه این‌که معنای تصحیح قطع به صدور باشد که اصحاب قطع دارند به صدور روایات آنان از معصومان. اجماع بر تصحیح واقع شده، نه اجماع بر درستی و اگر اجماع را بر درستی بدانیم، مراد همان وثوق و اطمینان است؛ یعنی اجماع وجود دارد که بر روایات این گروه می‌شود اعتماد کرد؛ نه این‌که قطع به صدور آن‌ها وجود دارد.^۱

نکته مهم درباره اصحاب اجماع، مفاد جمله «تصحیح ما یصح عنهم» است که اولاً، آیا این عبارت دلالت بر توثیق خود اصحاب اجماع می‌کند؟ و ثانیاً، آیا وثاقت مشایخ اصحاب اجماع از این تعبیرات فهمیده می‌شود؟ ثالثاً، آیا این جمله‌ها بر تصدیق مرویات اصحاب اجماع دلالت دارد؟ اکنون دیدگاه شیخ انصاری را درباره هریک از این پرسش‌های سه‌گانه می‌آوریم.

۵- ۱- ۱. توثیق خود اصحاب اجماع

شیخ انصاری به وثاقت اصحاب اجماع باور دارد و در مواردی دلیل وثاقت راوی را همین می‌داند که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

نمونه اول. شهید ثانی، حدیثی^۲ را که در سند آن عبدالله بن بکیر واقع شده، ضعیف شمرده است.^۳ شیخ انصاری به وی ایراد گرفته و می‌گوید:

ابن بکیر از اصحاب اجماع است و ضعیف نیست.^۴

نمونه دوم. شیخ، قرینه‌هایی برای وثاقت «ابان بن عثمان» می‌آورد که یکی از آن‌ها این است که وی از اصحاب اجماع است. وی در این باره چنین می‌گوید:

افزون بر این، از کسانی است که طبق گفته کشی، اصحاب، اجماع کرده‌اند بر تصحیح آنچه از آنان به صورت صحیح گزارش شده است.^۵

نمونه سوم. محمد بن مسلم روایتی از امام باقر علیه السلام درباره شک در اجزای نماز نقل می‌کند^۶

۱. فراند الأصول، ج ۱، ص ۳۳۶.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۱۸، ح ۶؛ تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۹۶، ح ۱۲۹؛ وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۱۰۵، ح ۷۴۶۰.

۳. روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، ج ۲، ص ۷۰۶.

۴. کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۳۹۶.

۵. أحکام الخلل فی الصلاة، ص ۹۶.

۶. تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۳۴۴، ح ۱۴؛ وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۲۳۸ - ۲۳۷، ح ۱۰۵۲۶.

که در سند آن «صفوان بن یحیی» و «عبدالله بن بکیر» قرار گرفته است. در همین باره دو روایت دیگر، یکی صحیح زراره^۱ و دیگری صحیح اسماعیل بن جابر^۲ گزارش شده است. شیخ انصاری درباره این روایات چنین می‌گوید:

برتری سندی دو صحیح بر روایت ابن مسلم نامعلوم است؛ زیرا در سند آن تنها «ابن بکیر» ایراد دارد که او و همچنین روایت‌گرس از اصحاب اجماع اند.^۳

به باور نگارنده، سخنان کشی به روشنی بروثاقت، فقاقت و جایگاه علمی اصحاب اجماع دلالت دارد و برخی مانند وحید بهبهانی^۴ و صاحب فصول^۵ این قول را اجماعی دانسته‌اند و یکی از عالمان معاصر نیز در این باره چنین می‌گوید:

بر وثاقت، فقاقت و جایگاه علمی خود آنان اتفاق کلمه وجود دارد. پس هیچ اشکالی در وثاقت و فقاقت خود آنان وجود ندارد و همانا خلاف در غیر این است.^۶

۵ - ۱ - ۲. تصدیق مرویات اصحاب اجماع

یکی از دیدگاه‌ها درباره عبارت «اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عن هؤلاء» این است که تصدیق و تصحیح مرویات اصحاب اجماع مراد است؛ بدین صورت که اگر سند حدیثی تا اصحاب اجماع صحیح باشد، به ما بعد آن توجه نمی‌شود؛ گرچه بعد از آنان، در سند حدیث ضعیفی باشد؛ یعنی فردی ضعیف واقع شده یا قطع و ارسالی صورت گرفته باشد. وحید بهبهانی این دیدگاه را به مشهور نسبت داده و چنین می‌گوید:

مشهور این است که منظور، درستی هر چیزی است که اصحاب اجماع روایت کنند؛ البته در صورتی که سند روایت تا آنان صحیح باشد. بنابراین، مابعد اصحاب اجماع تا معصوم لحاظ نمی‌گردد؛ اگرچه در آن ضعف باشد. این همان است که از عبارت کشی برمی‌آید.^۷

۱. تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۳۵۲، ح ۴۷؛ وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۲۲۷، ح ۱۰۵۲۴.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۵۳، ح ۶۰؛ وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۳۱۸ - ۳۱۷، ح ۸۰۷۱.

۳. أحکام الخلل فی الصلاة، ص ۹۹.

۴. الفوائد الرجالية، ص ۲۹.

۵. الفصول الغروية فی الأصول الفقهية، ص ۳۰۳.

۶. اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، ج ۲، ص ۱۱۹.

۷. الفوائد الرجالية، ص ۲۹.

شیخ انصاری نیز همین دیدگاه را درباره اصحاب اجماع انتخاب کرده است. وی پس از نقل روایتی^۱ از امام صادق علیه السلام بیان می‌کند که در سند این روایت کسی نیست که در شأنش درنگ شود، جز «ضحاک بن زید». سپس از راه تجمیع قراین تلاش می‌کند وثاقت وی را ثابت کند و سرانجام می‌گوید:

تقدّم بزنتی بر او ما را از تشخیص وضعیتش بی‌نیاز می‌کند؛ زیرا بزنتی از اصحاب اجماع است. پس نیازی به بررسی افراد پس از او نیست.^۲

از این عبارت برمی‌آید که شیخ اعظم به این دیدگاه باور دارد. افزون بر این، در موارد فراوانی برای تصحیح و اعتبارسنجی روایت از این مبنا کمک می‌گیرد که به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

نمونه اول. روایتی از امام باقر علیه السلام درباره وقت نماز صبح گزارش شده^۳ که در سند آن «موسی بن بکر» - که در کتاب‌های رجال توثیق نشده^۴ - قرار دارد. شیخ انصاری با این وجود، روایت را معتبر می‌داند و در توجیه آن چنین می‌گوید:

اگرچه در سند روایت موسی بن بکر قرار دارد، ولی عبدالله بن مغیره از او روایت کرده و عبدالله بن مغیره از اصحاب اجماع است.^۵

نمونه دوم. شیخ اعظم بر این باور است که «ابوبصیر» - که در سند روایت «الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ، عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ، عَنْ أَبِي بَنِي عُثْمَانَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ زَادَ فِي صَلَاتِهِ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ»،^۶ مشترک بین ثقه و غیر ثقه است؛ ولی با این وجود، روایت را معتبر می‌داند و در این باره می‌گوید:

اشتراک ابوبصیر به اعتبار روایت صدمه نمی‌زند؛ زیرا ابان بن عثمان - که از اصحاب اجماع است = از او روایت کرده است.^۷

۱. تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۵، ح ۲۳؛ وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۵۷، ح ۴۷۹۳.

۲. کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۴۶.

۳. تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۳۶، ح ۶۵؛ وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۲۰۸، ح ۴۹۳۸.

۴. معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۳۱ - ۲۸، رقم ۱۲۷۳۸.

۵. کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۱۰۶.

۶. الکافی، ج ۳، ص ۳۵۵، ح ۵.

۷. أحکام الخلل فی الصلاة، ص ۶۲.

نمونه سوم. شیخ انصاری مرسلات اصحاب اجماع را معتبر می‌داند. وی درباره مرسله حمّاد بن عیسی^۱ می‌گوید:

ولا یضربها الإرسال بعد ... کون المرسل من أصحاب الإجماع.^۲

نمونه چهارم. شیخ انصاری درباره مرسله یونس بن عبدالرحمن^۳ چنین می‌آورد:

شهرت برای جبران ضعف ناشی از ارسال کفایت می‌کند. افزون بر این، مرسل از اصحاب اجماع است.^۴

موارد دیگری نیز هست که شیخ اعظم، مرویات اصحاب اجماع را معتبر دانسته است،^۵ ولی آوردن آن‌ها از حوصله این نوشتار خارج است.

۵ - ۱ - ۳. توثیق مشایخ اصحاب اجماع

دیدگاه دیگری در مفاد «اجمعت العصابة علی تصحیح ما یصح عن هؤلاء» هست که مراد از آن را توثیق کلیه کسانی می‌داند که اصحاب اجماع از آنان روایت کرده‌اند. وحید بهبهانی از این برداشت به عنوان توهم یاد کرده و آن را ظاهر الفساد دانسته است،^۶ ولی محدث نوری قرآینی در تأیید آن آورده و بر صحت آن اصرار ورزیده و بحث را به درازا کشانده و گفته که ما تابع دلایلیم و از کمی پویندگان راه حق وحشتی نداریم.^۷

گرچه در جایی از آثار شیخ اعظم ندیده‌ایم که این دیدگاه را به چالش بکشند، ولی از مواردی که به قاعده اصحاب اجماع استناد کرده، برمی‌آید که این دیدگاه را مردود می‌داند و متأثر از مکتب وحید بهبهانی است.

۵ - ۲. مشایخ ثقات

شیخ طوسی درباره شماری از ثقات، همچون: محمّد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و

۱. الکافی، ج ۱، ص ۵۴۰، ح ۴.

۲. کتاب الخمس، ص ۳۰۵.

۳. تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۲۱۹، ح ۱۴.

۴. کتاب الصلاة، ج ۳، ص ۱۲۷.

۵. رک: کتاب المکاسب، ج ۴، ص ۲۱۳ - ۲۱۲؛ همان، أحكام الخلل فی الصلاة، ص ۲۰۲؛ کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۱۲۴ -

۱۲۳؛ کتاب الصوم، ص ۶۸؛ کتاب الطهارة، ج ۵، ص ۳۰۱.

۶. الفوائد الرجالیة، ص ۲۹.

۷. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۷، ص ۶۹ - ۳۵.

احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی ادعا کرده که آن‌ها فقط از ثقه نقل می‌کنند.^۱ در صورت پذیرش این ادعا، مشایخ و مروی عندهای آنان توثیق می‌شوند و چنانچه روایتی را مرسل نقل کنند، می‌توانیم مطمئن شویم که در سلسله سند آن غیر ثقه وجود نداشته است. شیخ انصاری این مبنا را پذیرفته و در مواردی با توجه به این قاعده، راویان ناشناخته‌ای را توثیق نموده یا روایت مرسلی را مسند به حساب آورده که به چند نمونه اشاره می‌شود:

نمونه اول. شیخ اعظم درباره «ضحاک بن زید» - که نام وی در کتب رجال نیامده و ناشناخته است^۲ - می‌گوید:

آنچه وثاقت وی را تأیید می‌کند، بلکه بر وثاقت او دلالت دارد، روایت کردن بزنطی از اوست و شیخ طوسی در کتاب عدّه در شأن بزنطی آورده است که به جز از ثقه روایت نمی‌کند.^۳

نمونه دوم. درباره «محمد بن عبد الله» - که مشترک بین چندین راوی ثقه، غیر ثقه و مجهول است^۴ و در سند روایتی^۵ از امام رضا علیه السلام قرار گرفته - چنین می‌گوید:

در سند روایت کسی به جز محمد بن عبد الله مشکل ندارد؛ زیرا او مشترک است؛ ولی راوی از او صفوان است؛ کسی که به جز از ثقه روایت نمی‌کند.^۶

درست است که باورمندان به قاعده «مشایخ ثقات» نیازی به تمییز «محمد بن عبد الله» از بین مشترکات ندارند، ولی با توجه به طبقه، راوی و مروی عنه قابل شناسایی است؛ همان گونه که نرم‌افزار «درایة النور» چنین کرده و او را علی التحقیق ثقه دانسته است.^۷

نمونه سوم. شیخ اعظم، درباره روایتی^۸ که در سند آن «قاسم بن عروه» قرار گرفته، می‌گوید:

در سند روایت تنها قاسم بن عروه مشکل دارد و این هم عیبی ندارد؛ چون راوی از او

۱. العدة فی أصول الفقه، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲. رک: نرم‌افزار درایة النور. سند روایتی را که ضحاک بن زید در سند آن قرار گرفته با نشانی (تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۵، ح ۲۳) از این نرم‌افزار ببینید.

۳. کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۴۶.

۴. معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۲۶۰ - ۲۲۵.

۵. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۸۲، ح ۱۵۵؛ وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۴۱۲، ح ۱۱۰۴۴.

۶. کتاب الصلاة، ج ۲، ص ۵۷۹.

۷. رک: نرم‌افزار درایة النور و سند روایت مزبور را در بخش اسناد ببینید.

۸. الکافی، ج ۳، ص ۲۷۸، ح ۲؛ وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۷۲، ح ۴۸۲۷.

ابن عمیر است؛ بلکه ظاهراً در برخی روایات راوی او بزندی است.^۱
 نمونه چهارم. شیخ اعظم، روایت^۲ مقطوعه‌ای^۳ را که از سوی برخی ثقات مزبور گزارش شده، به عنوان حدیث مسند به حساب آورده است:

ضعف سندش به اعتبار آن آسیب نمی‌زند؛ زیرا بزندی آن را در کتابش آورده است. بزندی شخصیتی است که روایت‌های مسند را تنها از ثقه نقل می‌کند. پس تا موقعی که اطمینان به اسناد سخن به امام نداشته باشد، آن را روایت نمی‌کند.^۴

نمونه پنجم. شیخ، مرسله ابن ابی عمیر^۵ را همانند صحیح و مسند به حساب می‌آورد:
 اگر هیچ روایتی به جز مرسله ابن ابی عمیر - که در حکم روایت صحیح است - نبود، هر آینه کافی بود.^۶

البته اعتبار مراسیل ابن ابی عمیر، افزون بر قاعده مشایخ ثقات، به کلام نجاشی نیز مستند می‌گردد.^۷ شیخ انصاری ادعای نجاشی را یکی از نشانه‌های درستی اجماع شیخ طوسی مبنی بر حجیت خبر واحد دانسته و چنین گفته است:

از جمله این قرائین، ادعای نجاشی است، مبنی بر این که مراسیل ابن عمیر در نزد اصحاب پذیرفته است. این عبارت، دلالت دارد که عمل اصحاب به خاطر قطع به صدور نیست، بلکه از این جهت است که ارسال نمی‌کند، مگر از ثقه. پس اگر قبول آن‌ها به خاطر اسناد ثقه به ثقه نبود، وجهی برای قبول مراسیل ابن ابی عمیر - که روایت نمی‌کند جز از ثقه - وجود نداشت. اتفاق مذکور را شهید اول نیز در کتاب ذکری^۸ ادعا نموده است و از کاشف الرموز^۹ شاگرد محقق اول نقل شده که اصحاب

۱. کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۷۲.

۲. وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۱۰۱، ح ۷۴۵۲.

۳. عالمان شیعه به روایتی که به معصوم متصل نباشد، مقطوعه می‌گویند (رک: نهاية الدراية، ص ۱۹۸؛ مقباس الهدایة،

ج ۱، ص ۳۳۰؛ دانش درایة الحدیث، ص ۲۳۸).

۴. کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۴۳۵ - ۴۳۴.

۵. الکافی، ج ۳، ص ۲۸۶، ح ۱۰؛ وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۳۱۱، ح ۵۲۳۷.

۶. کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۱۷۳.

۷. رجال النجاشی، ص ۳۲۶، رقم ۸۱۷.

۸. سخن شهید این گونه است: قبلت الأصحاب مراسیل ابن ابی عمیر و صفوان ابن یحیی و أحمد بن ابی نصر البزنطی لأنهم لا یرسلون إلا عن ثقة (ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۱، ص ۴۹).

۹. وی می‌گوید: الأصحاب عاملون بمراسیل احمد بن محمد بن ابی نصر (کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، ج ۱، ص ۴۵۲).

به مراسیل بزنطی نیز عمل می‌نمایند.^۱

شیخ اعظم در جاهای زیادی از آثار خود برای توثیق راویان یا اعتباردهی به روایت از قاعده مشایخ ثقات بهره برده است.^۲

۵ - ۳. توثیق مشایخ احمد بن محمد بن عیسی اشعری

گروهی از قمی‌ها، از قبیل احمد بن محمد بن عیسی الأشعری، سعد بن عبدالله، محمد بن حسن بن ولید، علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی و أبوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی (شیخ صدوق) در نقل حدیث دقت ویژه‌ای داشتند و از راویان ضعیف روایت نمی‌کردند.^۳ به همین خاطر شیخ انصاری، روایت قمی‌ها را از راوی دلیل بروثاقت وی می‌داند.

«داود صرمی» در کتاب‌های رجال توثیق نشده و تنها شیخ طوسی نام او را در الفهرست و الرجال آورده است،^۴ ولی از آن جا که قمی‌ها از او روایت نقل کرده‌اند، شیخ اعظم او را توثیق نموده است. وی پس از نقل روایتی^۵ - که در سند آن «داود صرمی» قرار دارد - چنین می‌گوید:

در سند روایت کسی به جز داود صرمی ایراد ندارد، ولی این مشکل ایجاد نمی‌کند؛ چون احمد بن محمد بن عیسی - که روایت‌گران از ضعیفان مانند برقی و سهل بن زیاد را از قم بیرون می‌کرده - از او روایت کرده است و او چگونه ممکن است که خودش از غیر ثقه روایت کند.^۶

۵ - ۴. کثرت نقل بزرگان از راوی

شیخ انصاری بر این باور است که اگر مشایخ از روایت‌گری بسیار روایت کنند، این فزونی روایت، نشانه‌ای بر توثیق اوست. بر این اساس، درباره «سهل بن زیاد» می‌گوید:

از میان راویان سند آن، تنها سهل بن زیاد آدمی قابل مناقشه است و با توجه به این که شیخ

۱. فراند الأصول، ج ۱، ص ۳۳۷ - ۳۳۶.

۲. کتاب المکاسب، ج ۴، ص ۳۰۹؛ رساله فی الوصایا، ص ۷۹ - ۷۸؛ کتاب الطهاره، ج ۱، ص ۸۳ و ج ۴، ص ۴۱۰ و ج ۵، ص ۳۰۱، ۳۸۰ و ۳۸۲؛ کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۴۷، ۷۲ و ۸۳ - ۸۲.

۳. رک: کتاب الطهاره، ج ۱، ص ۳۵۶.

۴. رک: فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول، ص ۱۸۲؛ رجال الطوسی، ص ۳۸۶.

۵. تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۳۰، ح ۴۱.

۶. کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۸۳.

طوسی او را ثقه دانسته و مشایخ هم از او زیاد روایت کرده‌اند، امر او آسان است.^۱
صاحب منتهی المقال،^۲ محقق اعرجی،^۳ آیه الله بروجردی،^۴ آیه الله خوانساری^۵ و علامه شوشتری^۶ در پذیرش این قاعده با شیخ انصاری هم عقیده‌اند، ولی در مقابل، برخی این قاعده را نپذیرفته‌اند.^۷

۵ - ۵. ترجم و ترضی

روش برخی از صاحبان کتاب‌های حدیثی، مانند شیخ کلینی و شیخ صدوق بر این است که برای برخی راویان سلسله سند، عبارت‌هایی همچون «رضی الله عنه» یا «رحمة الله علیه» به کار می‌برند. برخی حدیث پژوهان، این ترجم و ترضی را دلیل بر توثیق راوی می‌دانند؛ زیرا نشان می‌دهد که آن راوی مثلاً نزد شیخ کلینی یا شیخ صدوق فردی ثقه و مورد اعتماد بوده است.^۸

شیخ انصاری نیز ترجم و ترضی را نشانه‌ای بروثاقت راوی دانسته است. وی برای توثیق «محمد بن موسی متوکل» قراین و شواهدی را تجمیع کرده که یکی از آن‌ها ترجم و ترضی است.^۹ البته برخی عالمان، این شیوه احراز وثاقت راوی را به نقد کشیده و ادله‌ای بر بطلان آن آورده‌اند.^{۱۰}

۵ - ۶. مشایخ صدوق

برخی عالمان بر این باورند که اگر راوی از مشایخ صدوق باشد، ثقه است.^{۱۱} شیخ انصاری یکی از نشانه‌های وثاقت «محمد بن موسی متوکل» را این می‌داند که از مشایخ شیخ

۱. کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۷۱.

۲. منتهی المقال فی أحوال الرجال، ج ۱، ص ۹۰ و ج ۶، ص ۷۰.

۳. عدة الرجال، ج ۱، ص ۱۳۴.

۴. نهاية التقرير، ج ۳، ص ۲۳۲.

۵. جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، ج ۷، ص ۲۷۹.

۶. قاموس الرجال، ج ۵، ص ۳۶۲.

۷. رک: نهاية الدراية، ص ۴۱۶؛ مقباس الهداية، ج ۲، ص ۲۷۴.

۸. منتهی المقال فی أحوال الرجال، ج ۱، ص ۹۴؛ عدة الرجال، ج ۱، ص ۱۳۴ - ۱۳۵؛ ولاية الفقيه، ص ۳۷ - ۳۸.

۹. رسالة فی المواريت، ص ۱۹۰.

۱۰. معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۷۸؛ اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، ج ۲، ص ۳۱۵ - ۳۱۹.

۱۱. مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۲۳.

صدوق است؛^۱ ولی آیه الله خویی این را برنمی‌تابد و تصریح کرده که مجرد این که راوی از مشایخ شیخ صدوق باشد، دلیل بر توثیق وی نیست.^۲

۵ - ۷. نقل شیخ مفید از راوی

شیخ انصاری بر این عقیده است که اگر شیخ مفید از روایت‌گری حدیث کند، این خود نشانه وثاقت آن راوی است؛ مثلاً «علی بن محمد کاتب» مجهول است،^۳ ولی شیخ اعظم به خاطر این که مفید از وی روایت کرده، او را توثیق کرده است:

از جمله این روایات، خبری است از مفید ثانی، فرزند شیخ طوسی در الامالی به سندی که در حکم صحیح است، از امام رضا (علیه السلام) نقل نموده است. ایشان می‌گوید: امام علی (علیه السلام) به کمیل بن زیاد فرمودند: «برادر تو دین توست. پس تا آنجا که می‌توانی برای آن احتیاط کن». در سند این حدیث تنها علی بن محمد کاتب است که مفید از او روایت می‌کند.^۴

نتیجه‌گیری

شیخ انصاری در تراث فقهی و اصولی خود، بر طبق مبانی خود، روایاتی را به لحاظ سند ارزیابی نموده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. شیخ انصاری در مقام عمل نشان داده که یک فقیه و حدیث‌پژوه به علم رجال نیاز دارد. وی در لابه‌لای کتاب‌های فقهی و اصولی خود بارها با یاری گرفتن از علم رجال، احادیثی را به لحاظ سند ارزیابی کرده است.
۲. یکی از شیوه‌های شیخ اعظم برای احراز وثاقت راوی، «تجمیع قراین» است. وی در تراث فقهی استدلالی خود، در ضمن ارزیابی اسناد روایات، برخی راویان را با جمع‌آوری شواهد و قراین توثیق نموده است.
۳. شیخ انصاری در آثار خود به توثیقات برخی از متأخران از جمله علامه حلّی، ابن داود و مجلسی اول تکیه کرده است.

۱. رساله فی الموارث، ص ۱۹۰.

۲. معتمد العروة الوثقی، ج ۲، ص ۱۷۸.

۳. رک: نرم‌فزار درایة النور؛ سند روایت را به نشانی (وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۶۷، ح ۳۳۵۰۹) در بخش اسناد نرم‌افزار ببینید.

۴. فراند الأصول، ج ۲، ص ۷۷.

۴. شیخ اعظم در مبحث توثیقات عامه، به وثاقت اصحاب اجماع باور دارد و در مواردی دلیل وثاقت راوی را همین می‌داند. او مبنای مشایخ ثقات را پذیرفته و باور به توثیق مشایخ احمد بن محمد بن عیسی اشعری داشته است. همچنین بر این باور است که اگر مشایخ از روایت‌گری بسیار روایت کنند، این فزونی روایت، نشانه‌ای بر توثیق اوست و ترحم و ترضی را دلیل بر توثیق راوی می‌داند.

کتابنامه

- آشنایی با اصول علم رجال، سیدعلی دلبری، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۱ش.
- الاجتهاد و التقليد، سیدروح الله خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول، ۱۴۲۶ق.
- الاجتهاد و التقليد، ضیاءالدین عراقی، قم: نوید اسلام، اول، ۱۳۸۸ش.
- أحكام الخلل في الصلاة، مرتضی انصاری، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری، اول، ۱۴۱۳ق.
- اصول علم الرجال بين النظرية و التطبيق، مسلم داوری، مقرّر: محمدعلی صالح المعلم، قم: مؤسسه المحبّين للطباعة و النشر، دوم، ۱۴۲۶ق.
- الأمالی، محمد بن حسن طوسی، قم: انتشارات دارالثقافه، ۱۴۱۴ق.
- تهذيب الأحكام، محمد بن حسن طوسی، تصحیح: حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، سیداحمد خوانساری، قم: مؤسسه اسماعیلیان، دوم، ۱۴۰۵ق.
- الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، یوسف بحرانی، تصحیح: محمدتقی ایروانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ق.
- دانش درایة الحدیث، سیدعلی دلبری، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، اول، ۱۳۸۰ش.
- دانش درایة الحدیث، محمدحسن ربانی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، اول، ۱۳۸۰ش.

- دراسات فی علم الأصول تقریراً لأبحاث سماحة آية الله العظمى السيد أبوالقاسم الخويي، سيد علي هاشمي شاهرودي، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بيت عليه السلام، اول، ۱۴۱۹ق.
- ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة، محمد بن مكي عاملي، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، اول، ۱۴۱۹ق.
- رجال الشيخ الطوسي، محمد بن حسن طوسي، قم: انتشارات جامعه مدرسين، ۱۴۱۵ق.
- رجال الكشي، محمد بن عمر كشي، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
- رجال النجاشي، احمد بن علي نجاشي، قم: انتشارات جامعه مدرسين، ۱۴۰۷ق.
- رسالة القواعد، محمدكريم خان كرمانى، كرمان: مطبعة السعادة، بي تا.
- رسالة فى التحريم من جهة المصاهرة، مرتضى انصارى، قم: منشورات دارالذخائر، اول، ۱۴۱۱ق. (اين رساله همراه كتاب المكاسب چاپ شده است).
- رسالة فى الرضاع، مرتضى انصارى، قم: منشورات دارالذخائر، اول، ۱۴۱۱ق. (اين رساله همراه كتاب المكاسب چاپ شده است).
- رسالة فى المواريث، مرتضى انصارى، قم: كنگره جهانى بزرگداشت شيخ انصارى، اول، ۱۴۱۵ق.
- رسالة فى الوصايا، مرتضى انصارى، قم: كنگره جهانى بزرگداشت شيخ انصارى، اول، ۱۴۱۵ق.
- الرسائل، سيدروح الله خمينى، قم: مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان، اول، ۱۴۱۰ق.
- روض الجنان فى شرح إرشاد الأذهان، زين الدين عاملي، قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، اول، ۱۴۰۲ق.
- عدة الرجال، محسن اعرجى كاظمى، قم: اسماعيليان، ۱۴۱۵ق.
- العدة فى أصول الفقه، محمد بن حسن طوسي، قم: چاپخانه ستاره، ۱۴۱۷ق.
- الغيبه، محمد بن حسن طوسي، تحقيق: شيخ عبادالله طهرانى و شيخ على احمد ناصح، قم: مؤسسة المعارف الاسلامية، اول، ۱۴۱۱ق.
- فرائد الأصول، مرتضى انصارى، قم: مجمع الفكر الإسلامى، هشتم، ۱۴۲۸ق.
- فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت عليه السلام، جمعى از پژوهش گران، زیر نظر: سيد محمود هاشمى شاهرودي، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامي بر مذهب اهل بيت عليه السلام، اول، ۱۴۲۶ق.

- الفصول الغروية في الأصول الفقهية، محمد حسين اصفهانی، قم: دار إحياء العلوم الإسلامية،
 أول، ۱۴۰۴ق.
- فهرست كتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنّفين و أصحاب الأصول، محمد بن حسن
 طوسی، قم: ستاره، ۱۴۲۰ق.
- الفوائد الرجالية (چاپ شده به همراه رجال خاقانی)، محمد باقر بهبهانی، قم: مكتب الأعلام
 الإسلامي، دوم، ۱۴۰۴ق.
- الفوائد المدنية، محمد امين استرآبادی، مصحح: رحمت الله رحمتی اراکی، قم: دفتر
 انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، دوم، ۱۴۲۶ق.
- قاموس الرجال، محمد تقی شوشتری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۰ق.
- الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تصحيح: دارالحدیث، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
- كتاب الخمس، مرتضى انصاری، قم: كنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری، اول، ۱۴۱۵ق.
- كتاب الصلاة، مرتضى انصاری، قم: كنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری، اول، ۱۴۱۵ق.
- كتاب الصوم، انصاری، مرتضى انصاری، قم: كنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری، اول،
 ۱۴۱۳ق.
- كتاب الطهارة، مرتضى انصاری، قم: كنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، اول،
 ۱۴۱۵ق.
- كتاب المكاسب، مرتضى انصاری، قم: مجمع الفكر الإسلامي، یازدهم، ۱۴۲۸ق.
- كتاب النكاح، مرتضى انصاری، قم: كنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری، اول، ۱۴۱۵ق.
- كشف الرموز في شرح مختصر النافع، حسن بن أبی طالب فاضل آبی، قم: دفتر انتشارات
 اسلامی، سوم، ۴۱۷ق.
- كليات في علم الرجال، جعفر سبحانی، قم: مؤسسه النشر الإسلامي التابعه لجماعه
 المدرسين، چهارم، ۱۴۲۱ق.
- مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، زين الدين عاملي، مصحح: گروه پژوهش مؤسسه
 معارف اسلامی، قم: مؤسسه المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ق.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری، مصحح: گروه پژوهش مؤسسه آل
 البيت، بیروت: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۸ق.

مطرح الأنظار، مرتضى انصارى، مقرّر: میرزا ابوالقاسم کلانتری طهرانى، قم: مجمع الفكر الاسلامى، اول، ۱۴۲۵ق.

معتمد العروة الوثقى، مقرّر: سیدرضا موسوی خلخالی، قم: منشورات مدرسة دارالعلم، دوم، ۱۴۱۶ق.

معجم رجال الحديث، سید ابوالقاسم خویی، پنجم، ۱۴۱۳ق.

مقباس الهدایة، عبدالله مامقانی، قم: مؤسسه آل البيت علیہ السلام، اول، ۱۴۱۱ق.

المکاسب المحشى، سید محمد کلانتر، قم: دارالکتاب، ۱۴۱۰ق.

منتهى المقال فى أحوال الرجال، محمد بن اسماعیل حائری مازندرانی، قم: مؤسسه آل البيت علیہ السلام، اول، ۱۴۱۶ق.

موسوعة الإمام الخوئی، سید ابوالقاسم خویی، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، اول، ۱۴۱۸ق.

نهاية التقرير، سید حسین بروجردی، مقرّر: محمد فاضل لنکرانی، قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار علیہم السلام، سوم، ۱۴۲۰ق.

نهاية الدراية، حسن صدر، قم: نشر المشعر، بی تا.

وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن حسن حرّ عاملی، تصحیح: گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیہ السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیہ السلام، ۱۴۰۹ق.

ولاية الفقيه، سید مصطفی خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول، بی تا.